

پیش‌نویس رهنامه تبیین نقش فرهنگ در جهش تولید با مشارکت مردم

(ابعاد فرهنگی منشور سال)

دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور؛ فروردین ۱۴۰۲ ه.ش

رهبر معظم انقلاب سال ۱۴۰۳ ه.ش را سال «جهش تولید با مشارکت مردم» نام‌گذاری کردند. آن چه مسلم است در طول حدود ۱۵ سال اخیر، این نام‌گذاری‌ها به اولویت بحث اقتصاد و ابعاد مختلف آن نظیر الگوی مصرف، اقتصاد مقاومتی و حمایت از کالای ایرانی اشاره می‌کنند. این نام‌گذاری‌ها صرفاً شعاری رسانه‌ای یا نمادین نیست، بلکه در واقع منشور راهبردی یک ساله کشور بوده و جهت‌گیری اصلی اهداف و برنامه‌ها را مشخص می‌کند، به عبارتی همه دستگاه‌ها باید این منشور را در تمامی اقدامات و برنامه‌های خود در بخش‌های مختلف در نظر بگیرند و مبتنی بر آن فعالیت‌های خود را تعریف نمایند تا در انتهای سال پیشرفت محسوس و چشم‌گیر در آن زمینه به وقوع بپیوندد. این معنا در نگاه رهبر معظم انقلاب کاملاً آشکار است، به عنوان مثال ایشان در سخنرانی روز اول سال جاری در دیدار با آحاد مردم فرمودند: «آن چیزی که به عنوان شعار سال مطرح می‌شود، انگیزه این است که همت‌ها و فکرها متمرکز به این بخش از راهبرد اساسی کشور بشود. از یک طرف برای اینکه توجه مسئولین، همت مسئولین، تلاش مسئولین متوجه این بخش بشود، و از طرف دیگر افکار عمومی مردم و معرفت عمومی مردم این معنا را مطالبه کنند...» (بیانات در ۱۴۰۳/۱/۱)

مبتنی بر نظریه تمدنی انقلاب اسلامی که مهم‌ترین ارکان آن در نگاه امام خمینی (ره) و رهبر معظم انقلاب طرح شده است، فرهنگ بخشی در کنار سایر بخش‌های جامعه نیست، بلکه بُعدی مهم از ابعاد جامعه بوده که شئون مختلف و امور گوناگون در زیست فردی و اجتماعی را در بر گرفته و بر آن‌ها اثر می‌گذارد. رهبر معظم انقلاب در پیام انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی فرمودند «فرهنگ، جهت‌دهنده همه اقدام‌های اساسی و زیربنایی جوامع بشری و شتاب‌دهنده یا کندکننده آن است» و در نخستین دیدارشان با اعضای هیئت دولت سیزدهم نیز فرهنگ را زیربنای تمامی اقدامات اساسی کشور دانستند. مبتنی بر این نگاه، از منشور سال یعنی «جهش تولید با مشارکت مردم» نیز می‌توان و باید خوانش فرهنگی صورت گیرد. در این رهنامه ذیل چهار عنوان اصلی به تبیین نقش فرهنگ در نسبت با جهش تولید با مشارکت مردم می‌پردازیم؛ هم‌نقشی که فرهنگ به عنوان پیشران و ابزار ایجابی می‌تواند در تحقق این هدف ایفا کند و هم ملاحظات خاص فرهنگی که باید در اقدامات به عنوان پیوست فرهنگی در نظر گرفته شود. این چهار عنوان اصلی عبارتست از: اصلاح فرهنگ اقتصادی، توسعه اقتصاد فرهنگ‌بنیان، تحقق مشارکت اجتماعی و پیوست فرهنگی اجتماعی جهش تولید.

اصلاح فرهنگ اقتصادی

توسعه اقتصاد فرهنگ بنیان

جهش تولید با مشارکت مردم

پیوست فرهنگی جهش تولید

تحقق مشارکت اجتماعی

۱- اصلاح فرهنگ اقتصادی

تولید اگرچه به طور مستقیم مقوله‌ای است که در حوزه اقتصاد جای داشته و بررسی می‌شود، اما جهش تولید علاوه بر ابعاد اقتصادی، ملزومات و اقتضات سیاسی، زیرساختی، فنی، فرهنگی و اجتماعی خاصی دارد. در واقع این نظام ذهنی و مفهومی حاکم بر یک جامعه است که رفتارهای اقتصادی مردم آن را جهت می‌دهد، بنابراین اگر قرار است جهش تولید اتفاق بیفتد، باید آرایش خاصی در عرصه فرهنگ وجود داشته باشد که مجموعه ظرفیت‌های موجود در جامعه را به سمت این هدف، سوق دهد. **فرهنگ اقتصاد در واقع به ارزش‌ها، نگرش‌ها، ترجیحات، الگوهای رفتاری و بینش‌های اقتصادی جامعه اشاره می‌کند.** بر اساس پیمایش‌ها و پژوهش‌های چند ساله اخیر، مهم‌ترین مولفه‌های فرهنگ اقتصادی ایرانیان که نیاز به اصلاح و تعالی در مسیر جهش تولید دارد عبارتست از:

- ترجیح سرمایه‌گذاری در بازارهای ارز، طلا و رمزارزها بر سرمایه‌گذاری در کسب و کارها و فعالیت‌های تولیدی
- لزوم گسترش فرهنگ کار و تلاش در برابر سودهای ثروت آسان و بادآورده
- اعتماد عمومی کم نسبت به سایر مردم و سازمان‌های رسمی در حوزه مشارکت اقتصادی،
- پیش‌بینی منفی و نگرش‌های سیاه‌نمایی نسبت به آینده و اوضاع اقتصادی کشور،
- رفتارهای اقتصادی واگرا در لحظات پرتنش و ملتهب (احتکار کالا، خرید نامتوازن در تورم و ...)
- بهره‌وری پایین فعالیت‌های تولیدی و کاری،
- لزوم گسترش فرهنگ مشارکت جمعی و کار گروهی و لوازم فرهنگی آن،
- به محاق رفتن ارزش‌هایی نظیر قناعت و صرفه‌جویی در برابر گسترش تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی
- لزوم افزایش تعلق و تعصب عمومی به استفاده از تولیدات داخلی و تغییر در ترجیح ویژندهای خارجی

۲- توسعه اقتصاد فرهنگ بنیان

در دنیایی که سرمشق‌های نوین توسعه از ارتباط بین فرهنگ و اقتصاد در حال ظهور است، راهبرد ابلاغی مقام معظم رهبری در قالب شعار جهش تولید با مشارکت مردم می‌تواند سبب گشایش فضاها و نوینی در این عرصه شود تا ضرورت تدوین و اجرای سیاست‌ها و چارچوب‌های مشوق تولیدات فرهنگی بازنمایاند. **صنایع فرهنگی و خلاق در دنیای امروز، یکی از پیشران‌های اصلی اقتصاد و تولید محسوب می‌شود که نگاهی به آمار و ارقام گردش مالی و کارآفرینی صنایع فرهنگی در کشورهای مختلف جهان، این موضوع را تأیید می‌کند.** شناخت فرهنگ و هنر به عنوان دارایی ملت ایران، می‌تواند قدرت فرهنگی ایران را به قدرت اقتصادی نیز تبدیل کند.

چشم بستن بر رشد ۷ درصدی صنایع فرهنگی که در کشورهای پیشرفته محقق شده است، به معنای چشم بستن و محروم کردن کشور از این بازار و ظرفیت تأثیرگذار است. جهش تولیدات فرهنگی و خلاق نیازمند پذیرفتن واقعیت اقتصادی این بخش به عنوان پیشران اقتصادی از سوی سیاست‌گذاران است. صنایع فرهنگی در کشور ما هنوز چنان مورد توجه نیست که در کانون برنامه‌ریزی‌ها قرار داده شود و برای جلب حمایت از توسعه صنایع فرهنگی و نیز تولیدکنندگان و خالقان آثار بایستی از موانع بسیاری عبور کرد. از مهم‌ترین این موانع ناآشنایی برنامه‌ریزان کشور با صنایع فرهنگی و نیز قوانین و مقررات سنتی کشور است که همچنان صنعت و محصولات صادراتی درآمدزا را تنها در انحصار بخش‌هایی چون نفت، کشاورزی و صنایع سنگین می‌دانند. **هدف اصلی در این زمینه افزایش سهم بخش فرهنگ در تولید ناخالص داخلی است.**

هم‌افزایی اندک نهادها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی موثر، از مشکلات عمده در راه افزایش تولیدات فرهنگی و خلاق است. همچنین با لحاظ مسئله مهم صنایع فرهنگی در سند آمایش استان‌های کشور، می‌توان به نقشه ملی صنایع فرهنگی و خلاق کشور با تعیین چشم انداز رشد درآمد حاصل از تولیدات و توسعه هدفمند صادرات صنایع فرهنگی و خلاق دست یافت. از دیگر الزامات پشتیبانی از تولیدات فرهنگی و خلاق، تدبیر پیرامون لایحه حمایت از مالکیت فکری است.

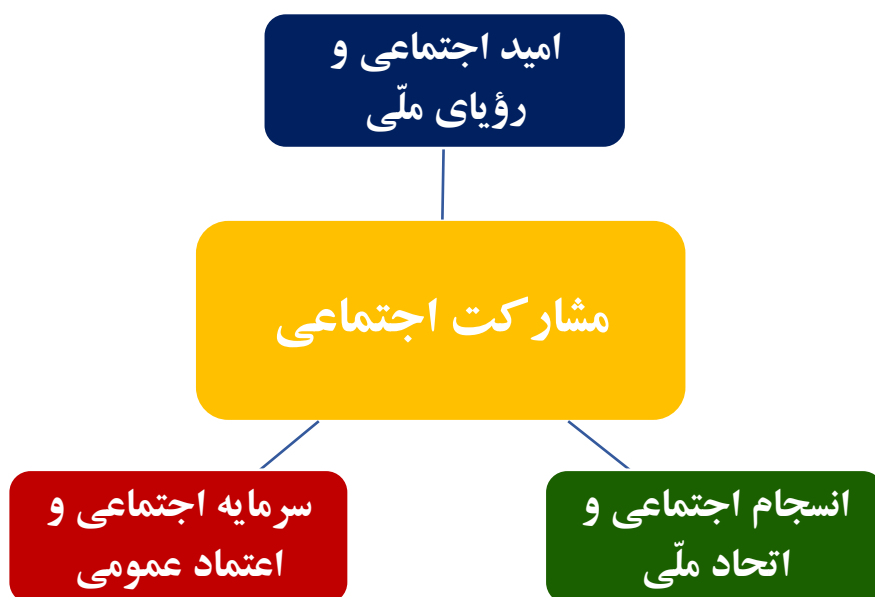
زیست‌بوم اقتصادی و خصوصاً صنایع خلاق ایران اکنون نیازمند **بازخوانی قوانین، روزآمدسازی ساختارهای دولتی و رویکردهای نوشونده در اقتصاد خلاق و مدیریت درآمدهای غیرنفتی** است. در چنین وضعیتی برداشتن گام‌های نوین برای توسعه تولیدات و راه یافتن به جرگه کشورهای صادرکننده محصولات و خدمات فرهنگی به قدرت بالا و تهور مدیریتی نیاز دارد. دستگاه‌هایی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان مرکز اتصال و ارتباط حاکمیت با آفرینش‌گران؛ تسهیل‌گران و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و صاحبان کسب‌وکارهای فرهنگی، هنری و رسانه‌ای و نیز مصرف‌کنندگان، بایستی از ابتکار عمل برخوردار باشند.

۳- تحقق مشارکت اجتماعی

مهم‌ترین بخش منشور سال، تأکید آن بر نقش مردم در تحقق جهش تولید است. به عبارتی بخش اول این عبارت به هدف غایی سال یعنی جهش تولید اشاره می‌کند و بخش دوم آن یعنی مشارکت مردم، مهم‌ترین راهبردی که می‌تواند دستیابی به این هدف را ممکن می‌کند: «جهش تولید به نظر کار بزرگ و شاید در نظر بعضی نشدنی بیاید، لکن بنده معتقدم با توجه به بخش دوم این شعار، یعنی «مشارکت مردم»، شدنی است. اگر ما این توفیق را پیدا کنیم که همت مردم، سرمایه مردم، ابتکار مردم، حضور جدی آحاد مردم را در عرصه اقتصادی وارد کنیم، در واقع یک بسیج مردمی در امر اقتصاد بکنیم، تولید هم می‌تواند به جهش برسد.» (بیانات در ۱۴۰۳/۱/۱)

مشارکت مردم در این عبارت شرط لازم و اساسی جهش تولید بیان شده است؛ بنابراین نقش اول و محوری جهش تولید را آحاد مردم و گروه‌های اجتماعی مختلف ایفا می‌کنند، نه دولت به عنوان تصدّی‌گر یا بخش خاصی از طبقات اجتماعی که منجر به ایجاد انحصار و بی‌عدالتی شود. مشارکت مردم در دو شکل اساسی مشارکت سیاسی و مشارکت اجتماعی به وقوع می‌پیوندد. مشارکت سیاسی شامل کنش‌های عینی مشخص مثل رأی‌دهی در انتخابات یا حضور در احزاب و تشکل‌های سیاسی می‌شود؛ اما مشارکت اجتماعی در لایه‌ای عمیق‌تر و بنیادین‌تر قرار داشته و مشارکت در فرایندهای مختلف اجتماعی در عرصه‌های گوناگونی نظیر زیست شهری و شهروندی، مناسک دینی، فعالیت‌های مدنی، آداب و رسوم اجتماعی، کنش‌های اقتصادی جمعی و تعامل رسانه‌ای را در بر می‌گیرد.

برای تحقق مشارکت اجتماعی، باید راهبردها و سیاست‌های خاصی را اتخاذ کرده و پیجویی نمود. در لایه‌ای کلان، برای تحقق مشارکت اجتماعی، الزاماً باید سه مؤلفه بنیادین و پیش‌نیاز اساسی وجود داشته باشد که در صورت فقدان یا نقص آن‌ها، مشارکت اجتماعی کاهش یافته و با بحران‌های اساسی روبه‌رو می‌شود؛ این موارد که در سخنرانی ابتدای سال رهبر معظم انقلاب نیز بیان شد عبارتست از: امید اجتماعی؛ انسجام اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی.



الف) امید اجتماعی و رؤیای ملی

امید اجتماعی یکی از زمینه‌های ضروری است که بر مبنای آن مشارکت صورت می‌گیرد. اگر افراد جامعه دورنمایی مثبتی از آینده نداشته باشند، عملاً نوعی انفعال و فرسودگی گسترش پیدا می‌کند که دیگر هیچ‌گونه مشارکت و کنش فعالانه‌ای امکان‌پذیر و معنادار نیست. **امید اجتماعی خصوصاً درباره گروه‌های نسلی جدید، یعنی جوانان و نوجوانان** مورد توجه است که رکن اصلی آن، مسئله **رؤیای ملی** ناظر به آینده و **روایت‌پردازی** تاریخی ناظر به گذشته است. برخی نتایج پیمایش‌های اخیر نظیر میزان بالای میل به مهاجرت و دورنمای منفی اقتصادی از آینده کشور، زنگ خطر را در این زمینه به صدا درآورده که به همین علت، موضوع امید اجتماعی مکرراً مورد تأکید رهبر معظم انقلاب اسلامی قرار گرفته است. **«امروز منافع ملی ما و افق روشن آینده ما وابسته است به «امید» و «ایمان». اگر فروغ امید در دل‌ها خاموش بشود، هیچ حرکتی اتفاق نمی‌افتد... عوامل امیدزا هم در کشور بحمدالله کم نیست؛ چیزهایی که در انسان امید ایجاد می‌کند، در کشور فراوان است... فعالیت‌های فرهنگی در سرتاسر کشور، در جاهای مختلف، در نویسندگی، در تولید کتاب، در شعر، در سینما، در هنر، در نقاشی، در هنرهای تجسمی، در فعالیت‌های تبلیغی و دینی، در رونق بخشیدن به فضای جامعه، این راه‌پیمایی‌های عظیمی که به مناسبت اربعین، به مناسبت اعیاد نیمه شعبان و غدیر و غیره در سرتاسر کشور انجام می‌گیرد که کار همین جوان‌هاست، این‌ها همه عوامل امیدزا هستند.»** (بیانات در ۱۴۰۳/۱/۱)

ب) انسجام اجتماعی و وحدت ملی

امروزه یکی از آسیب‌های جدی که جامعه ایرانی را تهدید می‌کند و معاندین ملت ایران نیز پیرامون آن برنامه‌ریزی‌های جدی انجام داده‌اند، **خطر گسترش شکاف‌های اجتماعی و چندقطبی شدن جامعه** است. مشارکت اجتماعی در جامعه‌ای با انسجام و وحدت بالا اتفاق می‌افتد و هر چه نگرش‌های منفی متقابل و نفرت‌ها و کینه‌توزی‌های اجتماعی میان گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی پررنگ شود، مشارکت اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. **«نکته بعدی در باب منافع ملی، مسئله اتحاد دل‌های مردم است؛ اتحاد عزم‌ها و اراده‌های مردم است. ما در این زمینه متأسفانه مشکلاتی داریم، عقب‌افتادگی‌هایی داریم؛ ارتباط و هم‌مدلی اجتماعی خیلی مهم است؛ در این زمینه دچار غفلت شدیم؛ خودمان به دست خودمان در وحدت ملی مان اختلال ایجاد می‌کنیم. همه ما در این غفلت شریکیم؛ همه ما وظیفه داریم که وحدت ملی را، اتحاد مردم را، اتحاد مردم و مسئولین را حفظ کنیم؛ روزبه‌روز آن را تقویت کنیم؛ این سیاست قطعی نظام جمهوری اسلامی از روز اول بوده است.»** (بیانات در ۱۴۰۳/۱/۱)

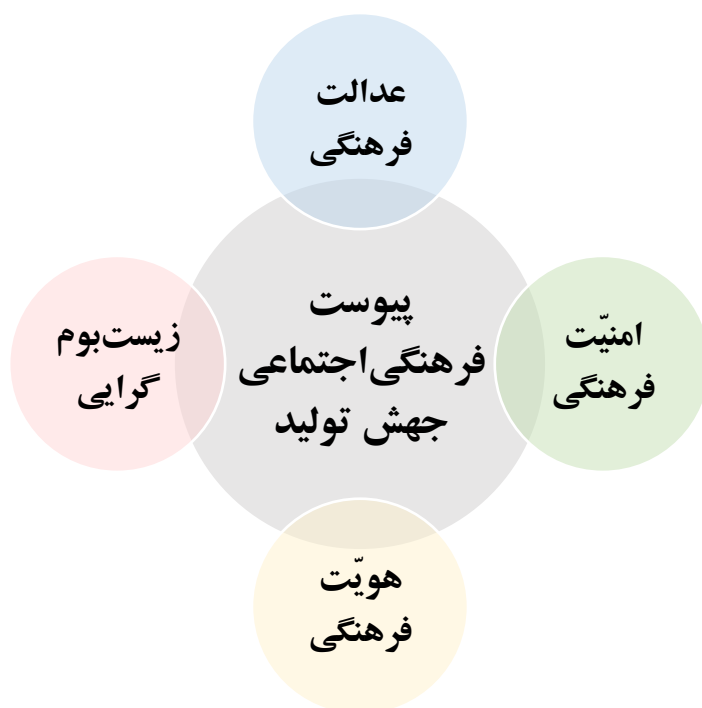
ج) سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی

سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف کلان‌مقیاس و خردمقیاس به عنوان قلب جامعه شناخته می‌شود. کاهش سرمایه اجتماعی نهادهای عمومی، اجتماعی و دولتی به معنای تزلزل در ارکان زیست اجتماعی است. مهم‌ترین شاخصه سرمایه اجتماعی در حال حاضر، **اعتماد عمومی** است. به هر میزان که اعتماد عمومی به نهاد حکم‌ران افزایش یافته و محبوبیت و مقبولیت برنامه‌ها، اقدامات و شخصیت‌های آن (حقوقی و حقیقی) گسترش یابد، مشارکت اجتماعی افزایش خواهد یافت. در این راستا برنامه مجزا و مفصلی در شورای فرهنگ عمومی کشور تصویب شده که باید دستور کار قرار گیرد.

۴- پیوست فرهنگی اجتماعی جهش تولید

یکی از الزامات مهم جهش تولید با مشارکت مردم در نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، همسویی همه جانبه با ارزش های فرهنگی است که از آن با عنوان پیوست فرهنگی اجتماعی یاد می کنیم. «بعضی از افرادی که دلسوزانه نسبت به مسائل کشور نگاه می کنند، این دغدغه را دارند که اگر چنانچه ما سرمایه های مردم را، امکانات مردم را وارد مسائل اقتصادی بکنیم، ممکن است که به سوء استفاده، تبعیض و شکاف های طبقاتی و فساد و مانند این ها منجر بشود که قبلاً شده؛ البته این نگرانی به جاست. این اقتضا می کند که مسئولین امر چشمشان را باز کنند، دقت کنند و هر کاری که انجام می دهند، با مراقبت کامل انجام بگیرد؛ این جزء چیزهای لازم و اهتمام ها و مراقبت های ضروری است.» (بیانات در ۱۴۰۳/۱/۱) «یکی از دوستان گفتند نظر رهبری در مورد مسئله عدالت با سال هشتاد فرق کرده؛ اگر فرقی کرده باشد، در این جهت فرق کرده که اصرار بر مسئله «عدالت» بیشتر شده؛ چون پیشرفت هایمان در سمت عدالت کم بوده، ما اصرار بیشتری داریم.» (بیانات در ۱۴۰۳/۱/۱۹)

بنابراین منطبق بر نگاه رهبری، هر ایده و الگویی برای رشد تولید مورد قبول نیست و باید الزاماً جوانب و پیامدهای مختلف اقدامات و طراحی های مختلف نسبت به ابعاد فرهنگی اجتماعی سنجیده شود. مهم ترین ارکان پیوست فرهنگی جهش تولید عبارتست از: عدالت فرهنگی و اقتصادی، زیست بوم گرایی و ناحیه محوری؛ همسویی با هویت فرهنگی، عدم خدشه به امنیت فرهنگی.



... پایان ...